

عوامل فردی و سازمانی مؤثر بر عدم کشف پرونده‌های قتل

تاریخ دریافت: ۸۷/۰۳/۱۵
تاریخ پذیرش: ۸۷/۹/۲۲

دکتر سیدحمید خدادادحسینی^۱، سرهنگ ستاد عبدالله هندپانی^۲،
و سرهنگ دوم محمد صادق رستمی مرادی^۳

چکیده

توجه به عوامل فردی و سازمانی مؤثر بر عدم کشف پرونده‌های قتل می‌تواند راهگشای معماهای پیچیده پلیسی در کشف قتل باشد. بررسی این عوامل در شهرستان ماهشهر در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ به روش توصیفی-پیمایشی انجام شد و براساس نظرسنجی از جامعه آماری به تعداد ۶۰ نفر شامل خبرگان (کارآگاهان پی‌جویی قتل، دادستان، بازپرسان ویژه قتل، حقوقدانان و وکلای دادگستری) و قائلین ماهشهر در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ با استفاده از ابزارهای پرسشنامه و مصاحبه به مرحله اجرا در آمد. از طرفی نیز کلیه پرونده‌های قتل در محدوده زمانی نیز مورد بررسی اسنادی قرار گرفته و موانع و مشکلات و نواقص تحقیق احصاء گردید. این پژوهش به بررسی میزان تأثیر عدم هدایت عملیاتی مناسب، ضعف تجزیه و تحلیل اطلاعات مکتسبه در پرونده‌های قتل، عدم استفاده از فناوری‌های نوین، عدم توجه به زمان در پرونده‌های قتل بر عدم موفقیت کارآگاهان کشف قتل می‌باشد. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها و اسناد پرونده‌ها با روش تحلیل محتوا و سؤالات پرسشنامه و با آزمون‌های آماری (توصیفی و خی دو) ارزیابی شدند. نتایج نشان می‌دهد که: عدم هدایت عملیاتی مناسب، ضعف تجزیه و تحلیل اطلاعات مکتسبه در پرونده‌های قتل، عدم استفاده از فناوری‌های نوین، عدم توجه به زمان و عدم مدیریت زمان در پرونده‌های قتل از عوامل فردی و سازمانی هستند که تأثیر فوق‌العاده و معناداری بر عدم موفقیت کارآگاهان کشف قتل دارند. براین اساس و با توجه به بررسی نتایج حاصله از مصاحبه و آزمون‌های آماری انجام شده تمامی سؤالات در عدم کشف پرونده‌های قتل مؤثر بوده اند.

واژگان کلیدی:

تحقیقات جنایی / Criminal investigation / کارآگاهان ویژه قتل / Murder detectives / قتل
/ Homocide / شهرستان ماهشهر / Mahshahr City / هدایت عملیاتی / Operational leadership /
فناوری / Technology / تجزیه و تحلیل اطلاعات / Information analysis.

□ **استاد:** خداداد حسینی، سید حمید؛ هندپانی، عبدالله؛ رستمی مرادی، محمدصادق (زمستان ۱۳۸۷). «عوامل فردی و سازمانی مؤثر بر عدم کشف پرونده‌های قتل». *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، سال سوم، شماره چهارم: ۴۵۲-۴۷۳.

۱. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
۲. عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی و دانشجوی دکتر
۳. کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی

مقدمه

در فرآیند کشف جرم به ویژه قتل عوامل مختلفی از جمله عوامل سازمانی و فردی در کشف آنها مؤثر خواهند بود و چنانچه با تفکر و شیوه صحیح و اصولی به آن توجه گردد، قطعاً در مراحل مختلف هر یک از عوامل تاثیرات خاص خود را در این فرآیند خواهند داشت. بدون شک وقوع جرایمی مثل قتلی که کشف نمی‌گردد، در هر حال علاوه بر تشدید احساس ناامنی در سطح جامعه افکار عمومی را نیز در خصوص عملکرد پلیس خدشه دار می‌سازد و باید انتظارات جامعه از پلیس را مرتفع کرده و با قدرت با کسانی که حق دیگران را زیر پا می‌گذارند و جانی را می‌ستایند برخورد نموده و آنها را به دست قانون بسپاریم. زیرا به یغما رفتن حیات انسان‌ها توسط همنوعان خود پدیده‌ای است ناگوار که دل‌ها را از از نگرانی مملو نموده و احساسات پاک انسانیت را جریحه دار می‌کند و عده زیادی را نگران امنیت فردی و آسایش اجتماعی خود و خانواده‌اشان ساخته و خسارت‌های مادی و معنوی زیادی در جامعه وارد می‌نماید. و در این میان چه بسیار افرادی هستند که چشم به دست‌هایی توانا دوخته‌اند تا نسبت به کشف قتل و دستگیری قاتلین اقدام نموده و متجاوزین به جان مردم را به چنگال عدالت بسپارند ولی در بعضی مواقع به دلایلی که تاکنون احصاء نگردیده پرونده‌های قتل کشف نمی‌گردند. درحالی عدم موفقیت پلیس شکل می‌گیرد که همگام با پیشرفت فناوری، پیشرفت‌های غیرقابل انکاری در روش‌های ارتکاب جرم به ویژه قتل توسط مجرمین پدید آمده است که کشف آن جرم به سادگی و بدون مدیریت صحیح و بهره‌گیری از اصول کشف علمی جرایم و استفاده از تجربیات گرانمایه پویندگان این راه امکان پذیر نمی‌باشد. این عدم موفقیت موجب می‌گردد که متجاوزین به جان و نوامیس مردم از چنگال قانون‌گریزان باشند و بعضاً نارضایتی و مشکلات امنیتی را به ارمغان بیاورد و عدم کشف پرونده‌های قتل و بعضاً تاخیر در کشف موجب می‌گردد از یک سو، اقتدار ناجا تضعیف گردد و از سوی دیگر باعث کاهش انگیزه کارآگاهان ویژه قتل به‌علت ناتوانی در کشف و از بعدی احساس ناامنی مضاعفی در جامعه را در پی خواهد داشت.

سؤال اصلی این است که عوامل مؤثر بر عدم کشف پرونده‌های قتل کدامند؟

سؤالات فرعی دیگری آن عبارتست از:

- ۱- عدم هدایت عملیاتی مناسب، در کشف نشدن پرونده‌های قتل چه تاثیری دارد؟
- ۲- ضعف تجزیه و تحلیل اطلاعات مکتسبه در پرونده‌های قتل، در عدم کشف پرونده‌های قتل چه تاثیری دارد؟
- ۳- عدم استفاده از فناوری‌های نوین در کشف نشدن پرونده‌های قتل چه تاثیر دارد؟
- ۴- عدم توجه به زمان در پرونده‌های قتل، در عدم کشف پرونده‌های قتل چه تاثیری دارد؟

مبانی نظری تحقیق:

پیشینه تحقیق: در زمینه عوامل سازمانی و فردی مؤثر در عدم کشف پرونده‌های قتل مطالعه‌ای انجام نشده است. لیکن تحقیقاتی مشابه در رابطه با قتل عبارتند از:

اسماعیلی (۱۳۸۴) تحقیقی تحت عنوان «بررسی سیستمی رسیدگی به پرونده‌های قتل در آگاهی تهران ۱۳۸۲» انجام گرفته است که هدف آن بررسی سیستم موجود در رسیدگی و تصمیم‌گیری و آسیب‌شناسی پرونده‌های قتل در آگاهی تهران بوده که نتیجه آن این است که رسیدگی به پرونده‌های قتل در تهران بزرگ به صورت سیستمی انجام می‌گردد.

یاراحمدی (۱۳۸۴) تحقیق دیگر تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد کارآگاهان پلیس آگاهی تهران بزرگ» در کشف قتل انجام گرفته که هدف از آن بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد کارآگاهان ویژه قتل از جهت آموزش، هماهنگی، انگیزش و مهارت مدیران واحدهای پی‌جویی قتل بوده است. نتایج پژوهش نشانگر این مطلب بوده که توانایی و مهارت مدیران بخش پی‌جویی قتل ضعیف نبوده و بر همین اساس میزان این عوامل در وضعیت موجود با وضعیت مطلوب فاصله داشته و در سطح پایین تری قرار دارند.

روحی سرا (۱۳۸۴) تحقیقی دیگر تحت عنوان «عوامل مؤثر بر عملکرد تکنسین‌های صحنه جرم قتل» در سال ۸۴ انجام داده است که هدف آن بررسی میزان تاثیر توان، انگیزه، شناخت شغل، حمایت سازمانی، هماهنگی و بازخورد بر عملکرد تکنسین‌های بررسی صحنه قتل می‌باشد. نتیجه علت ضعف عملکرد تکنسین‌های بررسی صحنه قتل را ناکافی بودن توان، انگیزه، حمایت سازمانی از آنها و ناهماهنگی با واحدهای دیگر را شناسایی نموده است.

قنبری (۱۳۸۵) تحقیق دیگر تحت عنوان «عوامل مؤثر بر موفقیت کار آگاهان کشف قتل» انجام داده است که هدف از آن بررسی میزان تاثیر شناسایی انگیزه قتل، انجام مدیریت صحنه قتل، تجربه و مهارت بازپرس ویژه قتل، تجهیزات فنی جهت جمع‌آوری ادله موجود و تفویض اختیارات بیشتر قضایی در کشف قتل بوده است. نتیجه حاکیست که شناسایی انگیزه قتل، انجام مدیریت صحیح صحنه قتل، تجربه و مهارت بازپرس ویژه قتل و تفویض اختیارات بیشتر قضایی و تجهیزات فنی از عوامل موفقیت کارآگاهان قتل می‌باشد.

دیدگاه‌های جامعه شناسی قتل:

۱- نظریه «فضای قابل دفاع»^۱: در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، جرم به میزان قابل ملاحظه و بی‌سابقه‌ای در ایالات متحده افزایش یافت و مسئولان اداره امور کشور، سیاستمداران، دانشمندان علوم اجتماعی و... در صدد یافتن راه‌حل‌های علمی و مؤثر و فوری برای معضل جرم بر

1. defensible space

آمدند. به نظر می‌رسید یکی از راه‌حل‌ها که توسط طراحان محیط شهری و مهندسان معمار ارائه شده بود تمام ضوابط فوق را داراست. مبانی راه‌حل مذکور کاملاً ساده بود؛ ایجاد تغییر در ساختار محیط فیزیکی و تاثیر گذاشتن بر شیوه استفاده مردم از محیط می‌تواند از وقوع جرم پیشگیری کند (پرویزی، ۱۳۷۹، ص ۱۸).

رسلر^۱ معتقد است که کامل‌ترین مطالعه و تحقیق پیرامون قاتلین سریالی را می‌توان در حیطه قتل‌های جنسی انجام داد. روان‌شناسان ممکن است بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از آزمایش‌ها و حقایق مکشوفه توسط پزشکان یک قتل سریالی جنسی را یک بیمار روانی تلقی نمایند. اما آنها به ندرت مبتلا به بیماری روانی هستند. اگر آنها بیمار روانی بودند نایب‌ت با موفقیت از پلیس دوری می‌جستند. رسلر می‌گوید این افراد کاملاً هوشیارند و برای ارتکاب قتل نقشه‌های ماهرانه‌ای طراحی می‌کنند. و اغلب با ارتکاب هر قتل موفقیت‌آمیز قتل بعدی را با نقشه‌های ماهرانه تری انجام می‌دهند. مجرم در هر تجربه‌ای به بینشی نو برای انتخاب قربانی بعدیش دست می‌یابد. قاتلین سریالی جنسی علی‌رغم ظاهرشان، اشخاصی بسیار متزلزل بوده و از قدرت چندانی برخوردار نیستند مگر اینکه برکسی تسلط و کنترل داشته باشند. این حالات در رفتارها و زندگی شخصی آنان بازتابی آشکار دارد. زمانی که آنان قربانی را تحت کنترل خویش درآورند خود را در اوج می‌بینند و به همین خاطر از مشاهده مقالات و گزارشات وسایل ارتباط جمعی در باره جنایتشان بسیار خرسند می‌شوند.

مهمترین ایراد در این پژوهش‌های انجام شده به‌وسیله متولیان امر و پیشگامان فضای قابل‌دفاع قصور آنها در تعریف مفاهیم کلیدی (مثل حریم) برای ارزیابی فرضیات اساسی مربوط به رفتارهای ساکنین و اندازه‌گیری متغیرهای مداخله‌گر واسطه‌ای (مثل شناختی که ساکنین از حریم خود داشته و رفتاری که نسبت به آن دارند) می‌باشد. وجود این نقطه ضعف موجب شد تا تابلور^۲ و همکارانش به این نتیجه دست یابند که نظریه فضای قابل دفاع هرگز به قدر مناسب و کافی مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته است (پرویزی، ۱۳۷۹).

۲- نظریهٔ توقع و انتظار: به استناد نظریهٔ توقع و انتظار، یک نفر در شرایطی که امکان انتخاب داشته باشد، گزینه‌هایی را انتخاب می‌کند که به تصور خودش بهترین نتایج را به دنبال داشته باشد. این نظریه بر این باور است که انگیزه برای انجام یک کار، بر فهم رابطه‌ای بین انجام کار، تلاش لازم برای آن، توقع مطلوب بودن نتیجه نسبت به تلاش انجام شده و سطوح مختلف کار مبتنی است (وروم). توقع و انتظار یعنی اینکه فرد در برابر مقدار معینی از تلاش به سطح مشخصی از انجام کار دست خواهد یافت. وسیله بودن یعنی این باور که عامل با انجام هر مقدار از کار به

1. Ressler

2. Taylor

پاداش متناسب به آن خواهد رسید و ارزش یعنی مقدار اهمیتی که فرد برای سطوح مختلف کار قائل است. برای اینکه انگیزه بالا باشد فرد باید دنبال خروجی بالاتری باشد. اگرچه نظریه توقع و انتظار نظریه پیچیده‌ای است ولی یکی از جامع‌ترین الگوها را برای توضیح یا پیش‌بینی رفتار با وظیفه ارائه می‌دهد (لوپس، گواسن و نانتز، ۲۰۰۱؛ وروم، ۱۹۶۴).

عناصر و عواملی که توقع انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهند عبارتند از: توانایی‌های شخصی (توانمندی‌ها)، خصوصیات (ویژگی‌های شخصیتی) و برداشت شخصی فرد نسبت به نقش خود (تجارب فردی و تعامل با دیگران). عناصری که روی عوامل جانبی تاثیر می‌گذارند شامل دلخوشی‌های بیرونی و دلخوشی درونی (رضایت فردی) می‌باشد. به استناد نظریه تلفیقی توقع و انتظار، رضایت فردی به مقایسه بین دلخوشی‌هایی که فرد دریافت داشته است با دلخوشی‌هایی که بنا به تصور خودش باید دریافت می‌کرده است، بستگی دارد. تصور رفتار غیرمنصفانه، تعهد و بهره‌وری فرد را می‌کاهد.

آنچه در نظریات جامعه‌شناسی اعترافات به عنوان هسته اصلی مورد توجه بوده است کنش اجتماعی می‌باشد. جامعه‌شناسان به تبیین علل رفتار انحراف‌آمیز با توجه به اجتماعی شدن ناقص، رهیافت‌های گوناگونی را ارائه داده‌اند. با توجه به یکی از این رهیافت‌ها، فردی که درست و کامل اجتماعی نشده است هنجارهای فرهنگی را در شخصیت خویش عمیق نمی‌سازد و لذا قادر به بروز تمایز رفتار شایسته و ناشایست نمی‌باشد. بنابر رهیافت دوم، فرد منحرف بایستی منحرف شدن را یاد بگیرد، جامعه‌شناسان معتقدند که بسیاری از صورت‌های رفتار انحراف‌آمیز از شخصی به شخص دیگر انتقال می‌یابد. رهیافت سوم انحراف را نتیجه نارسائی‌های موجود در فرهنگ و ساخت اجتماعی جامعه می‌داند. هر جامعه‌ای نه تنها اهداف فرهنگی تجویز شده‌ای دارد بلکه ابزار و وسایل پذیرفته و مقبول اجتماعی را نیز برای دستیابی آن اهداف در اختیار دارد، هرگاه این وسایل در دسترس کسی گذاشته نشود، آن شخص به رفتار انحراف‌آمیز دست می‌زند (کوهن، ۱۳۷۰، ص ۱۶۴).

در خصوص قتل، جامعه‌شناسان دیگری تقسیم‌بندی‌ای انجام داده‌اند به طوری که یک گروه در سه دسته کلی، دیدگاه کارکردگرایی، کنش متقابل و تضاد آن را مورد بررسی قرار داده‌اند (هنسلیم و لایت، ۱۹۸۳) و گروهی دیگر از صاحب‌نظران جامعه‌شناس در تبیین این موضوع که چرا آدم، آدم می‌کشد معمولاً سه دسته بندی زیر را مد نظر قرار می‌دهند: نظریه پردازان بیوژنیک علت را در جسم آدم، نظریه پردازان سیکوژنیک علت را روح آدم و نظریه پردازان سوسیوژنیک علت را در محیط اجتماعی آدم یعنی در جایی بیرون از روح و جسم او جست‌وجو می‌کنند (تیو، ۲۰۰۱).

۳- مکتب کارکردگرایی:

الف- نظریات انگیزشی یا احساس فشار یا فشارهای ساختاری:^۱ از دیدگاه این مکتب هر جامعه ای دارای نظم هنجاری مسلطی است که بر کلیه اعضا آن جامعه به‌طور کافی اشراف دارد در این جامعه همه افراد لزوماً مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اهداف را در طی فراگرد جامعه‌پذیری فراگرفته و قبول می‌کنند. اگر هم‌نوایی (تبعیت از قانون جامعه) امری قطعی است، پس ناسازگاری از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ پاسخ نظریه‌های انگیزشی چنین است: ناهم‌نوایی یا ناسازگاری، حاصل فشار خواسته‌های مشروع ولی برآورده نشده است. کجروی زمانی اتفاق می‌افتد که شرایط مانع برآورده شدن انتظارات مردم شود. «مرتن»^۲ و «کلوارد»^۳ و «کوهن»^۴ از صاحب‌نظران این دیدگاه هستند. دورکیم واژه آنومی^۵ را بکار برد که اساس نظریه بی‌هنجاری^۶ گردید. آنومی حالت مهمی است بین فرد و جامعه که در آن هنجارها یا از بین‌رفته‌اند یا ضعیف‌اند یا با هم در تضاد می‌باشند وقتی حالت بی‌هنجاری به سطح بالایی برسد ممکن است جامعه با خطر متلاشی شدن مواجه گردد، چون اعضا جامعه دیگر ارزش‌ها و اهداف مشترک را قبول ندارند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۱، ص ۹۵). رابرت مرتن این فشار را ناشی از عدم توانایی شخص در دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی و آلبرت کوهن ناکامی در رسیدن به جایگاه بالا در جامعه را عامل فشار بر می‌شمرد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵، ص ۹۵).

ب - انتقادات وارده به نظریه فشار ساختاری: نظریه فشار اجتماعی به دلیل اهمیت و نفوذ، بیش از سایر دیدگاه‌ها در معرض نقد و بررسی بوده است. انتقادات عمده عبارتند از: یکسان فرض کردن نظام ارزش‌های مردم جوامع صنعتی مدرن، یکسان پنداشتن آمال و آرزوهای طبقات فرودست و فرادست جامعه، فقدان پشتوانه علمی برای این فرض نظریه که احتمال کج‌رفتاری طبقات محروم بیش از دیگران است و عدم توجه به کج‌رفتاری‌های طبقات مرفه، فقدان پشتوانه علمی برای آن فرض نظریه که ناخشنودی‌های منزلتی، جوانان را به‌طور یکسان به کج‌رفتاری وامی‌دارد و ساده انگاشتن رابطه فرد و جامعه در کج رفتاری فرد و نادیده گرفتن نقش نظام کنترل اجتماعی (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵).

۴- نظریه‌های کنترل: نظریه‌های کنترل هم‌نوایی را حاصل وجود پیوندهای اجتماعی میان افراد جامعه و اعمال انواع کنترل از طرف جامعه بر افراد می‌داند. لذا انحراف از این دیدگاه نتیجه شکست عوامل کنترل اجتماعی مانند پلیس، دستگاه قضایی و امنیتی و غیره می‌باشد. تراوس

1. Strain or Motivational or Structural Strain Theory
2. R. Merton
3. R. Cloward
4. A. K. Cohen
5. Anomy
6. Anomic Theory

هرشی ابداع کننده نظریه کنترل است و عقیده دارد کجروی معلول ضعف یا گسستگی تعلق فرد با جامعه است. از نظر او اجزاء تعلق و وابستگی به جامعه به شرح ذیل است (هرشی، ۱۹۶۹، ص ۲۹-۳۸) اول-میزان رابطه فرد با سایر افراد، دوم- پذیرفتن نقش‌ها و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، سوم- اعتقاد و ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای فرهنگی. اثر رکلس در تبیین اینکه چرا برخی مردم به اعمال خشن مبادرت می‌ورزند و برخی دیگر نه، تاکید او بیشتر بر عناصری از زندگی گروهی است که فرد را از کشیده شدن به سوی انحراف بازمی‌دارد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۲، ص ۵۲-۵۴). رگلز عقیده دارد که دو نوع مانع کلی انحراف وجود دارد: اول- ساختار اجتماعی بیرونی و سازمان اجتماعی و گروهایی که شخص به آنها تعلق دارد. دوم- کنترل‌های روان‌شناسی درونی که هرکس بر خود وارد می‌کند (رگلز، ۱۹۶۱، ص ۱۱۹).

۵- انتقادات وارده بر نظریه‌های کنترل: نظریه‌های کنترل همانند سایر رویکردها کاستی‌هایی دارد که مانع تبیین جامع و کلی کجرفتاری انسان‌ها می‌شود. مهم‌ترین این کاستی‌ها عبارتند از: همه افراد جامعه دارای انگیزه‌های مساوی برای ارتکاب کجرفتاری نیستند، بر خلاف آنچه نظریه‌های کنترل فرض کرده‌اند افراد همیشه عقلانی عمل نمی‌کنند. بسیار دیده شده که هر چه شدت و قطعیت اعمال مجازات بیشتر بوده تاثیر کمتری در کاهش جنایات داشته است و تحقیقات بسیاری این نظریه‌ها را تایید می‌کند لیکن هیچیک به صورت طولی و درازمدت انجام نشده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵، ص ۵۰).

۶- رویکرد بیوژنیک: حداقل دو نظریه از رویکرد بیوژنیک در مورد آدم کشی، هنوز هم طرفدارانی دارد: یکی «نظریه اتولوژی» و دیگری «نظریه ژنتیک». نظریه اتولوژی توسط اخلاق‌شناسانی مطرح شده که عمدتاً جانورشناس بوده و در مطالعه رفتار حیوانات تخصص داشته‌اند. بر اساس نظر این گروه، بشر در مورد غریزه کشتن با دیگر حیوانات متفاوت است و از آنها بسیار کشنده‌تر است. زیرا حیوانات خطرناک به ندرت حیوان هم نوع خود را می‌کشند، اما بشر، اغلب هم نوع خود را می‌کشد. دست کم یک صد میلیون انسان در جنگ‌های مختلف از جنگ جهانی اول از سال ۱۹۱۴ تا کنون به دست انسان‌های دیگر به قتل رسیده‌اند که باید قتل‌های دیگر را که توسط غیرنظامیان انجام شده نیز به آنها افزود. علت هم اینست که به حیوانات درنده ای مانند ببر و گرگ غریزه‌ای اعطا شده که می‌توانند جلوی کشتن را در خود بگیرد، اما انسان از چنین نیرویی محروم شده است. زیرا حیوانات درنده می‌توانند به راحتی، حیوانات دیگر را از پای درآورند ولی انسان بدون اسلحه و ابزار به حیوانی بی‌آزار مانند خرگوش و کبوتر می‌ماند. در دوران پیش از تاریخ، برای بشر کار بسیار دشواری بود که با چنگ و دندان خود، کسی را بکشد. اما همین انسان ناگهان ابزاری مانند چاقو و اسلحه گرم ساخته که خطرناکتر از چنگ و دندان حیوانات است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵).

نظریه ژنتیک هم توضیح داده است که هر انسان نرمال ژنتیکی، با بیست‌وسه جفت کروموزوم در هر سلول خود متولد می‌شود. در انسان مذکر نرمال، دو کروموزوم جنسی یعنی X و Y وجود دارد که کروموزوم X از مادر و Y از پدر به ارث رسیده است. کروموزوم X آرام و منفعل و کروموزوم Y خشن و پرخاش‌گر است و مذکر نرمال XY است که ویژگی‌های نرمال و آرام و خشن او متعادل شده اند. درصد کمی از جمعیت (حدود یک هفتم از یک در صد) با یک کروموزوم Y اضافه متولد می‌شوند و ویژگی XYY دارند. کروموزوم اضافی Y فرد را بیش از حد خشن و پرخاش‌گر می‌سازد و از همین رو ویژگی XYY را از نظر ژنتیکی غیرنرمال می‌دانند که اکثراً روی صورت، قدبلندتر از میانگین مردان و از همه مهمتر تمایل شدید به پرخاش‌گری تولید می‌کند که می‌تواند به ارتکاب جرایم خشن و خطرناک و قتل وادار (فاکس، ۱۹۷۲؛ مانتاگو، ۱۹۶۸).

اما به اعتبار این نظریه، به دو دلیل خدشه وارد شده است؛ یکی اینکه بیشتر پسران XYY جنایتکار نمی‌شوند و بیشتر جنایتکاران هم XYY نیستند و دیگر اینکه کروموزوم XYY حداکثر ممکن است به صورت بالقوه نقش بازی کند نه به شکل عامل تعیین کننده خشونت. یعنی اگرچه کروموزوم اضافه Y ممکن است به صورت بالقوه فرد را به خشونت وادارد، اما عوامل فرهنگی و اجتماعی هم می‌توانند تحقق این قوه به فعل را کنترل کنند (تیو، ۲۰۰۱؛ مک کلیرن، ۱۹۶۹).

۷- رویکرد سیکوژنیک: در این رویکرد نیز حداقل دو نظریه در مورد قتل نفس از طرفداران بیشتری برخوردار است. یکی «نظریه روان‌کاوی» و دیگری «نظریه روان‌شناسی ناکامی-پرخاش‌گری» بر طبق نظریه روان‌کاوی، روان‌شناسان شامل سه جزء متفاوت است: اید، ایگو و سوپرایگو.

«اید» را غریزه، «لیبیدو» و یا سائق جنسی مشتمل بر سائق‌های اساسی که با آن متولد می‌شویم نیز گفته‌اند. به بیان دیگر، اید، سائق ذاتی بشر برای زندگی، لذت بردن، فعالیت جنسی و خوشگذرانی است. اما چنین سائق‌هایی را نمی‌توان بدون یادگیری محقق کرد. از همین رو شیوه‌های بی‌شماری را آموخته ایم که بتوان به بهترین نحو ممکن زندگی کرد. اید و سوپرایگو مدام با هم در نزاع‌اند، زیرا هر دو به طور مساوی عاطفی و غیرمنطقی‌اند. اید در صدد است تا شخص از هر نوع خیال‌پردازی جنسی ارضاء شود، اما «سوپرایگو» به هر نوع خیال‌پردازی جنسی پاسخ منفی می‌دهد. عدم ارضاء اید، احساس ناراحتی و عدم تبعیت از سوپرایگو، احساس گناه ایجاد می‌کند و فرد دائم بین این دو احساس متضاد روان خود گرفتار است. اما بخش عقلانی یعنی ایگو قادر است نقش واسطه‌ای ایفا کند و به این نزاع خاتمه دهد. از همین رو، تلاش می‌کند راهی بیابد تا بدون سرپیچی از سوپرایگو، اید را نیز راضی نگهدارد و یا کاری کند که بدون ایجاد سرخوردگی و ناراحتی برای اید، از سوپرایگو هم اطاعت شود. اگر ایگو گاهی در این کار خود ناکام بماند، احساس

ناراحتی یا گناه چنان بر فرد غلبه خواهد کرد که او را دچار بیماری روانی می‌کند و همین امر ممکن است به کنش‌های خشنی مانند قتل منتهی شود. از همین روست که بسیاری از روان‌شناسان، قتل را به اختلال روانی نسبت می‌دهند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶).

از طرف دیگر، اگر والدین خیلی سخت‌گیری کرده و حتی برای تخلفات کوچک هم بچه‌ها را تنبیه کنند، چنان سوپرایگو قوی‌ای در فرد به‌وجود می‌آید که سائق پرخاش‌گری را به کلی سرکوب خواهد کرد. بدون رهاسازی نرمال انرژی پرخاش‌گری، به تدریج این انرژی ذخیره شده و به نقطه اوج فشار خود می‌رسد و سوپرایگو را منفجر خواهد کرد. اینکه گاهی کسی که به خوش‌اخلاقی و خوبی معروف است ناگهان مرتکب قتل شده و خانواده، دوستان و... را متعجب می‌سازد، توسط همین بخش نظریه تبیین شده که چنین قاتلی بیش از حد تحت کنترل بوده است (تیو، ۲۰۰۱؛ کوینزی، مگویر و وارنی، ۱۹۸۳). نظریه روانکاو با دو مشکل اساسی مواجه است: الف) این نظریه در مورد نمونه کوچک و غیرمتعارفی از جنایتکاران کاربری دارد و نه همه آنها؛ و ب) امکان آزمایش تجربی این نظریه وجود ندارد؛ زیرا مشاهده و اندازه‌گیری آید، ایگو و سوپرایگو و غریزه پرخاش‌گری وجود ندارد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸).

۸- رویکرد سوسپوژنیک: نظریه‌های متعددی توسط جامعه‌شناسان ارائه شده که در اینجا فقط به یک نظریه که بیشتر با تبیین قتل سازگاری دارد «نظریه محدودیت بیرونی» اشاره می‌شود. این نظریه تحلیل کرده است که قتل می‌تواند پیامد ناکامی باشد. این نظریه نشان می‌دهد که چرا برخی افراد که با ناکامی مواجه هستند دست به خودکشی می‌زنند و بعضی دیگر که همان اندازه ناکامی داشته‌اند، مرتکب قتل می‌شوند. از این رویکرد، خودکشی و آدم‌کشی اساساً یک چیزند و هر دو، کنش پرخاش‌گرانه ناشی از ناکامی‌اند. اما خودکشی، پرخاش‌گری درون‌گرا و بر علیه خویش است، در حالیکه آدم‌کشی، پرخاش‌گری برون‌گرا و بر علیه دیگری است. این نظریه مدعی است که افرادی که به شدت دچار ناکامی شده‌اند، اگر محدودیت بیرونی ضعیفی را تجربه کرده باشند، کنش پرخاش‌گرانه خودگرا (درون‌گرا) یعنی خودکشی را و اگر از محدودیت بیرونی قوی رنج کشیده باشند، کنش پرخاش‌گرانه دیگرگرا (برون‌گرا) یعنی قتل را انتخاب می‌کنند. در این رویکرد، قوت محدودیت بیرونی، درجه‌ای است که لازم است شخص رفتار خود را با مطالبات و انتظارات دیگران هم‌نوا کند. به بیان دیگر، قوت محدودیت بیرونی، مقدار کنترل اجتماعی است که بر افراد تحمیل می‌شود تا آزادی و دامنه رفتار آنها را محدود سازد. کسانی که از چنین کنترل شدیدی رنج کشیده باشند بیشتر به دیگرکشی تمایل پیدا می‌کنند تا به خودکشی زیرا می‌توانند دیگران را به‌طور مشروح بابت ناکامی خود سرزنش کنند (هنری و شرت، ۱۹۵۴).

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نظریات جامعه‌شناسی قتل پس از تشریح و بیان نظریات جامعه‌شناسی انحراف و خصوصاً قتل موارد ذیل را می‌توان بیان نمود:

- ۱- مبتنی بر نظریات انگیزشی انحراف، به خصوص قتل، زمانی صورت می‌گیرد که شرایطی مانع برآورده شدن نیاز و خواست فرد شود و افراد قادر نباشند به اهداف مربوطه دست یابند.
- ۲- نظریه کنترل اجتماعی، وقوع انحراف و ارتکاب قتل را ناشی از تضعیف یا شکست عوامل کنترل اجتماعی می‌داند.
- ۳- نظریه پاره فرهنگ منحرف و پاره فرهنگ خشونت‌ناک دارد که رفتار انحرافی و ارتکاب قتل در چارچوب گروهی که فرد منحرف یا قاتل تعلق دارد صورت می‌گیرد.
- ۴- نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار انحرافی و ارتکاب قتل را ناشی از انتقال فرهنگی و فرایند یادگیری که به واسطه روابط و ارتباطات اجتماعی فرد از طریق معاشرت با دیگران (منحرفان) در طول فرایند اجتماعی شدن صورت می‌گیرد، می‌داند.
- ۵- نظریه تضاد، رقابت و ستیز و ناسازگاری مردم با یکدیگر در رابطه با منابع کمیاب و محدود را عامل اصلی رفتار انحرافی و وقوع قتل تلقی می‌کند.

میزان یا نرخ قتل: آمارجنایی همواره موضوعی مورد اختلاف میان جرم شناسان بوده و در باره اعتبار آن بحث و مجادله بسیار صورت گرفته است. لیکن باید توجه داشت که آمارهای قتل نیز همانند سایر آمارهای جنایی به سه بخش تقسیم می‌شوند که همان مجازات نیز در باره این جرم وجود دارد: ۱- آمار بزهکاری ظاهری یا پلیسی،^۱ ۲- آمار بزهکاری قضایی،^۲ و ۳- آمار زندان‌ها.^۳ بدیهی است که آمار ظاهری همواره بیشتر از آمارهای قضایی و زندان‌ها خواهد بود اما اعتبار این آمارها موضوعی بحث‌انگیز است که مورد اختلاف دانشمندان بوده و تلاش‌های زیادی برای اعتباربخشیدن به آمارهای مذکور به عمل آمده است از جمله تلاش‌های انجام شده برای روشن کردن «رقم سیاه»^۴ جرایم گوناگون و کشف هرچه بیشتر جرایم ارتكابی از طریق بزه‌دیدگان جنایی در میان مردم انجام تحقیقات خود اقرار می‌باشد. بدیهی است که جرم قتل به خاطر رؤیت‌پذیری یا نمایانی و گزارش‌پذیری بسیاری که دارد از رقم سیاه اندکی در مقایسه با رقم سیاه بسیاری از جرایم برخوردار است. به همین دلیل میزان اعتبار آن نسبت به جرایم دیگر بیشتر است (پرویزی، ۱۳۷۹، ص ۸۲). برابر آمار رسمی توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۵ جمعیت کشور ما ۶۰۴۷۲۸۴۶ نفر بوده است. حال با توجه به اینکه تعداد قتل‌های عمد واقعه در سال ۱۳۷۸ حدود ۱۶۶۲ فقره بوده است. بدون محاسبه درصد رشد جمعیت و مرگ و میر سال ۱۳۸۲ نرخ قتل^۵ رقمی برابر ۲/۷۵ در

۱. آمار بزهکاری ظاهری یا پلیسی: آمار جرایمی است که پلیس از وقوع آنها مطلع و آگاه گردیده است.
 ۲. آمار بزهکاری قضایی: آمار جرایمی است که در سیستم قضایی مورد رسیدگی و صدور حکم قرار گرفته است.
 ۳. آمار بزهکاری زندان‌ها: آمار جرایمی است که مجرمین به خاطر ارتکاب آنها به حبس محکوم و وارد زندان شده‌اند.
 ۴. رقم سیاه: آمار جرایمی است که پلیس و مقامات قضایی از وقوع آنها بی‌خبر می‌مانند.
 ۵. نرخ قتل از طریق فرمول $(A \times 10000 / B) = \text{نرخ قتل}$ محاسبه می‌گردد. (آگاهی ناجا) (A: قتل‌های واقعه، B: کل جمعیت)

هر یکصد هزار نفر می باشد. این رقم در سال ۱۳۷۸ رقمی برابر ۲/۲ در هر یکصد هزار نفر بوده است (قنبری، ۱۳۸۵).

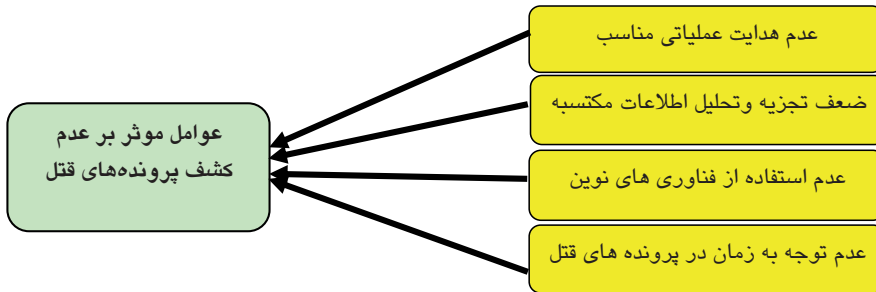
برابر بررسی انجام شده نرخ قتل در شهرستان ماهشهر (محدوده مکانی این تحقیق) در سال ۱۳۷۸ رقمی معادل ۱/۴۲ در هر یکصد هزار نفر بوده و این رقم در سال ۱۳۸۲ به ۲ در هر یکصد هزار نفر رسیده است؛ که میزان آن بیشتر از برخی از استان‌های کشور می باشد (آگاهی ماهشهر، آمار قتل‌های سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۲) و در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ برابر آمار ارائه شده نرخ قتل رشد محسوسی داشته است. در سال ۱۳۸۳، ۳/۲۲ در هر یکصد هزار و سال ۱۳۸۴ نرخ قتل ۲/۴۲، سال ۱۳۸۵ نرخ قتل ۴/۰۳ و در ۹ ماهه سال ۱۳۸۶ نرخ قتل ۵/۲۴ روبه‌رو بوده است. این در حالی است که افزایش نرخ وقوع قتل در استان خوزستان نیز افزایش یافته است؛ به طوری که در سال ۱۳۷۷ نرخ ۱/۵۷، سال ۱۳۷۸ با نرخ ۱/۶۷، سال ۱۳۷۹ با نرخ ۱/۶۴، سال ۱۳۸۰ با نرخ ۱/۸۳ و در سال ۱۳۸۱ با نرخ ۲/۹۵ در هر یکصد هزار نفر بوده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵) و در سال‌های ۱۳۸۳ با نرخ ۳/۷۴، ۱۳۸۴ با نرخ ۴/۳۴، سال ۱۳۸۵ با نرخ ۳/۰۲ و در نه ماهه ۱۳۸۶ با نرخ ۳/۷۶ در هر یکصد هزار نفر مواجه شده است (آگاهی ماهشهر، ۱۳۸۶).

جدول ۱. نرخ قتل در کشور، استان خوزستان و شهرستان ماهشهر
در سال‌های ۱۳۷۷ - ۱۳۸۶

| مکان | ۱۳۷۷ | ۱۳۷۸ | ۱۳۷۹ | ۱۳۸۰ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۲ | ۱۳۸۳ | ۱۳۸۴ | ۱۳۸۵ | ۹ ماهه ۱۳۸۶ |
|---------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|----------------|
| کشور | ۲/۱۷ | ۲/۳۹ | ۲/۲۶ | ۲/۴۱ | - | ۲/۷ | ۳/۲۴ | ۳/۴۶ | ۲/۵۳ | ۲/۱۵ |
| خوزستان | ۱/۵۷ | ۱/۶۷ | ۱/۶۴ | ۱/۸۳ | ۲/۹۵ | - | ۳/۷۴ | ۴/۳۴ | ۳/۰۲ | ۳/۷۶ |
| ماهشهر | ۲/۱ | ۱/۲۴ | ۲/۳۳ | ۱/۹۶ | ۱/۶۳ | ۲ | ۳/۲۲ | ۲/۴۲ | ۴/۰۳ | ۵/۲۴ |

مدل مفهومی پژوهش: در این پژوهش مسئله اصلی عوامل مؤثر بر عدم کشف پرونده‌های قتل با چهار مولفه: عدم هدایت عملیاتی (در شش شاخص)، ضعف تجزیه و تحلیل اطلاعات (در پنج شاخص)، عدم استفاده از فناوری‌های نوین (در شش شاخص)، عدم توجه به زمان در پرونده‌های قتل (در چهار شاخص) مورد بررسی قرار گرفتند.

نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش



مواد و روش‌ها

این تحقیق، از نظر نوع، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی بوده است. جامعه آماری پژوهش تعداد ۶۰ نفر به صورت تمام شمار بوده که عبارتند از: الف- خبرگان شامل: ۶ نفر دادستان عمومی و انقلاب و بازپرسان ویژه قتل؛ ۳۴ نفر از کارکنان و کارآگاهانی که حداقل ۲ سال در امر رسیدگی به پرونده های قتل فعالیت داشته‌اند؛ و ۵ نفر از وکلای دادگستری که سابقه وکالت پرونده قتل‌های محدود زمانی و مکانی تحقیق را داشته اند. ب- قاتلین: ۱۵ نفر از قاتلین به صورت تمام‌شمار محدود مکانی و زمانی تحقیق که در آن زمان در زندان به سر می‌بردند پژوهش در شهرستان ماهشهر از توابع استان خوزستان پیرامون پرونده‌های قتل بین سال‌های ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۶ انجام شده است. سؤالات این تحقیق با بهره‌گیری از نظریات مطرح و بررسی فعالیت‌ها و اقداماتی که عملاً توسط کارآگاهان در ارتباط با پرونده‌های قتل انجام داده اند تعیین شده و با مشخص شدن سؤالات تحقیق کلیه مفاهیم و شاخص‌های مورد استفاده سؤالات استخراج گردیدند. با انجام مصاحبه حضوری با اهل خبره و کارشناسان آگاهی ابعاد گوناگون موضوع شناسایی و نظریات صاحب نظران در سؤالات پرسشنامه لحاظ و نسبت به جرح و تعدیل شاخص‌های مربوطه اقدام و در نهایت پس از جمع‌بندی، نظریات آنان با نظر کارشناسان متناسب با هر مولفه تعدادی سؤال انتخاب و سرانجام پرسشنامه با چهار مولفه و هر مولفه با تعدادی سؤال در مجموع ۲۱ سؤال تنظیم و لذا روایی ابزار با بهره‌گیری از روش اعتبار محتوایی تامین گردید. برای سنجش میزان پایایی آن از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید ($\alpha = 0/8441$). برای توصیف داده‌ها از جدول فراوانی استفاده گردید و برای تجزیه و تحلیلی استنباطی داده‌ها از آزمون خی دو استفاده شد.

یافته‌ها

تحلیل محتوای پرونده‌های قتل: در بررسی پرونده‌های قتل از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ ضعف‌های آنها

در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. ضعف‌های پرونده‌های قتل ماهشهر از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶

| علل ضعف | قتل‌های کشف‌شده بعد از سه ماه یا بیشتر | قاتل یا قاتلین دستگیر نشده | پرونده‌های کشف‌نشده |
|--|--|---------------------------------------|------------------------------------|
| عدم استفاده از فناوری، آزمایش در صحنه و... | ۲۹ | ۱۷ | ۱۰ |
| ضعف در فرایند بررسی صحنه جرم | ۹ | ۱۰ | ۱۰ |
| ضعف در بازسازی قتل‌های کشف‌نشده | ۰ | ۰ | ۱۰ |
| ضعف در مدیریت اقتضایی | ۳ | ۱۱ | ۸ |
| ضعف در مدیریت سیستمی | ۴ | ۱۲ | ۹ |
| عدم تشکیل ستاد ویژه عملیات | ۳ | ۱۱ | ۱۰ |
| عدم هدایت نظارتی بر کارآگاهان | ۶ | ۱۰ | ۹ |
| ضعف قابلیت مهارت‌های عمومی و تخصصی | ۵ | ۹ | ۸ |
| استنتاج غلط از تجزیه و تحلیل اطلاعاتی | ۷ | ۱۳ | ۹ |
| ضعف انگیزه | ۲ | ۱۷ | ۸ |
| عدم فرضیه یابی متناسب با اطلاعات موجود | - | ۱۴ | ۱۰ |
| ضعف در ارزش تفسیری مدارک | ۱۱ | ۳ | ۶ |
| ضعف در تحلیل علمی | ۱۳ | ۴ | ۵ |
| عدم شناسایی اجساد | ۲ | - | ۳ |
| عدم خلاقیت و نوآوری | ۶ | ۸ | ۱۰ |
| ضعف برنامه‌ریزی مناسب زمانی | ۵ | ۹ | ۱۰ |
| ازدیاد پرونده‌های راكد | ۱۲ | ۱۷ | ۱۰ |
| جمع | تعداد پرونده: ۲۹ فقره تعداد ضعف‌ها: ۱۱۷ | تعداد پرونده: ۱۷ تعداد ضعف‌ها: ۱۶۵ | تعداد پرونده: ۱۰ تعداد ضعف: ۱۴۶ |

یافته‌های حاصله از پرسش‌های تخصصی:

سؤال اول: عدم هدایت عملیاتی مناسب، در کشف نشدن پرونده‌های قتل چه تاثیری دارد؟
برای بررسی این سؤال از تحقیق تعداد ۶ سؤال (سؤال‌های ۱ تا ۶: ضعف در مدیریت اقتضایی، ضعف در مدیریت سیستمی، عدم تشکیل ستاد ویژه، عدم هدایت و نظارت بر مأمورین، ضعف در

فرایند بررسی صحنه قتل و عدم بازسازی قتل‌های کشف نشده) طراحی و در پرسشنامه لحاظ گردید که ضریب آلفای کرونباخ آنها ۰/۸۵۴۵ بوده و برای تجزیه و تحلیل این سؤال از آزمون خی دو استفاده شد که نتایج به‌دست آمده به‌طور خلاصه در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. تجزیه و تحلیل عدم هدایت عملیاتی

| شماره سؤال | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم | خی-دو | درجه آزادی df | سطح معنادار |
|------------|-----------|------|-------|----|---------|--------|---------------|-------------|
| ۱ | ۷ | ۱۷ | ۱۶ | ۴ | ۱ | ۴۸/۵۰۰ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |
| ۲ | ۱۹ | ۲۲ | ۳ | ۱ | ۰ | ۷۸/۴۸۰ | ۳ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |
| ۳ | ۵ | ۱۳ | ۱۵ | ۱۱ | ۱ | ۳۰/۶۰۰ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |
| ۴ | ۵ | ۱۸ | ۱۷ | ۴ | ۱ | ۶۳/۶۰۰ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |
| ۵ | ۸ | ۱۸ | ۱۴ | ۴ | ۱ | ۵۴ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |
| ۶ | ۴ | ۲۰ | ۱۶ | ۵ | ۰ | ۳۵/۴۴۰ | ۳ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |

با توجه به جدول ۳ مشخص می‌گردد چون $p > 0.05$ است؛ بنابراین بین پاسخ به گزینه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد و نتایج جدول نشان می‌دهد با توجه به سطح معنادار به‌دست آمده ($\text{sig} < 0.05$) و پاسخ‌های داده شده به گزینه‌های مختلف و با توجه به فراوانی گزینه‌ها مشاهده می‌شود پاسخ‌ها متوسط رو به بالا می‌باشند، می‌توان گفت عدم هدایت عملیاتی مناسب، در کشف نشدن پرونده‌های قتل تاثیر دارد.

سؤال دوم: ضعف تجزیه و تحلیل اطلاعات مکتسبه در پرونده‌های قتل، در عدم کشف پرونده‌های قتل چه تاثیری دارد؟

برای بررسی این سؤال از تحقیق تعداد ۵ سؤال (سؤالات ۷ تا ۱۱): ضعف در مهارت‌های عمومی و تخصصی، ضعف انگیزه، ضعف در ارزش تفسیری مدارک، عدم فرضیه یابی متناسب با اطلاعات، استنتاج غلط از تجزیه و تحلیل) طراحی و در پرسشنامه لحاظ گردید که ضریب آلفای کرونباخ آنها ۰/۸۵۸۰ بوده و برای تجزیه و تحلیل این سؤال از آزمون خی دو استفاده شد که نتایج به‌دست آمده

به طور خلاصه در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. ضعف تجزیه و تحلیل اطلاعات مکتسبه

| شماره سؤال | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم | مقدار خی- دو | درجه آزادی (df) | سطح معنادار |
|------------|-----------|------|-------|----|---------|-----------------|-----------------|-------------|
| ۷ | ۳ | ۱۰ | ۱۷ | ۸ | ۷ | ۲۶ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |
| ۸ | ۶ | ۲۰ | ۱۱ | ۵ | ۳ | ۴۶/۱ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |
| ۹ | ۱ | ۴ | ۱۱ | ۱۹ | ۱۰ | ۴۸/۷ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |
| ۱۰ | ۶ | ۲۱ | ۹ | ۵ | ۴ | ۳۵/۷۶ | ۳ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |
| ۱۱ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۱ | ۶ | ۵ | ۲۰ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |

با توجه به جدول ۴ مشخص می‌گردد چون $p > 0/05$ است؛ بنابراین بین پاسخ به گزینه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد و با توجه به سطح معنی دار به دست آمده ($\text{sig} < 0/05$) و پاسخ‌های ارائه شده به گزینه‌های مختلف مشاهده می‌گردد به جز سؤال ۳ در بقیه سؤالات پاسخ‌ها متوسط رو به بالا می‌باشد و می‌توان گفت ضعف تجزیه و تحلیل اطلاعات مکتسبه در پرونده‌های قتل، در عدم کشف پرونده‌های قتل تاثیر دارد.

سؤال سوم: عدم استفاده از فناوری‌های نوین در کشف نشدن پرونده‌های قتل چه تاثیری دارد؟

برای بررسی این سؤال از تحقیق تعداد ۶ سؤال (سؤالات ۱۲ الی ۱۶ و ۱۹: ضعف کاربران در بهره‌گیری از فناوری‌ها، عدم استفاده از فناوری‌های DNA در شناسایی اجساد، عدم آزمایش در صحنه جرم، ضعف در تحلیل علمی، عدم شناسایی جسد و عدم شناسایی اجساد مجهول الهویه بوده) طراحی و در پرسشنامه لحاظ گردید که ضریب آلفای کرونباخ آنها $0/8550$ و برای تجزیه و تحلیل این سؤال از آزمون خی دو استفاده شد که نتایج به دست آمده به طور خلاصه در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. عدم استفاده از فناوری‌های نوین

| شماره سؤال | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم | مقدار خی دو | درجه آزادی (df) | سطح معنادار |
|------------|---------------------|------|-------|----|---------|-------------|-----------------|-------------|
| ۱۲ | فرآوانی مشاهده شده | ۲ | ۲۱ | ۱۶ | ۵ | ۱ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | فرآوانی قابل انتظار | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | |
| ۱۳ | فرآوانی مشاهده شده | ۲۱ | ۲۰ | ۳ | ۱ | ۰ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | فرآوانی قابل انتظار | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | |
| ۱۴ | فرآوانی مشاهده شده | ۱۸ | ۱۵ | ۸ | ۳ | ۱ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | فرآوانی قابل انتظار | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | |
| ۱۵ | فرآوانی مشاهده شده | ۱۳ | ۲۱ | ۹ | ۲ | ۰ | ۳ | ۰/۰۰۰ |
| | فرآوانی قابل انتظار | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | |
| ۱۶ | فرآوانی مشاهده شده | ۲۰ | ۲۲ | ۲ | ۱ | ۰ | ۳ | ۰/۰۰۰ |
| | فرآوانی قابل انتظار | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | |
| ۱۹ | فرآوانی مشاهده شده | ۱۳ | ۱۷ | ۱۱ | ۴ | ۰ | ۳ | ۰/۰۰۰ |
| | فرآوانی قابل انتظار | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | |

با توجه به جدول ۵ مشخص می‌گردد چون $p > 0/05$ است؛ بنابراین بین پاسخ به گزینه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به سطح معنادار به دست آمده ($sig < 0/05$) و فرآوانی گزینه‌ها، پاسخ‌هایی که زیاد رو به بالا می‌باشند، می‌توان گفت عدم استفاده از فناوری‌های نوین در کشف نشدن پرونده‌های قتل تأثیر دارد.

سؤال چهارم: عدم توجه به زمان در پرونده‌های قتل، در عدم کشف پرونده‌های قتل چه تاثیری دارد؟

برای بررسی این سؤال از تحقیق تعداد ۴ سؤال (سوالات ۱۷، ۱۸، ۲۰ و ۲۱: عدم برنامه‌ریزی مناسب زمانی برای رسیدگی به پرونده‌های راکد، ازدیاد پرونده‌های راکد، ضعف در مدیریت زمان، عدم رسیدگی به پرونده‌های قتل با گذشت زمان) طراحی و در پرسشنامه لحاظ گردید که ضریب آلفای کرونباخ آنها ۰/۸۱۷۰ و برای تجزیه و تحلیل این سؤال از آزمون خی دو استفاده شد که نتایج به دست آمده به طور خلاصه در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. عدم توجه به زمان در پرونده‌های قتل

| شماره سؤال | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم | مقدار -خی - دو | درجه آزادی (df) | سطح معنادار |
|------------|------|-------|----|---------|----------------|-----------------|-------------|
| ۱۷ | ۱۴ | ۲۶ | ۴ | ۱ | ۷۶ | ۳ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |
| ۱۸ | ۷ | ۲۳ | ۱۱ | ۳ | ۷۳ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |
| ۲۰ | ۱۳ | ۱۸ | ۱۲ | ۱ | ۵۸ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |
| ۲۱ | ۱۶ | ۱۸ | ۸ | ۲ | ۵۸/۹ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | | | |

با توجه به جدول ۶ مشخص می‌گردد چون $p > 0/05$ است، بنابراین بین پاسخ به گزینه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. و با توجه به سطح معنادار به دست آمده ($sig < 0/05$) و پاسخ‌های داده شده به گزینه‌ها مشاهده می‌گردد در تمام سؤالات، پاسخ متوسط رو به بالا می‌باشد. و با این نتیجه می‌توان گفت عدم توجه به زمان در پرونده‌های قتل، در عدم کشف پرونده‌های قتل تأثیری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

۱- عدم‌هدایت عملیاتی: «عدم هدایت عملیاتی مناسب در کشف نشدن پرونده‌های قتل چه تأثیری دارد؟»

با توجه به پاسخ‌های ارائه شده به شاخص‌هایی که در سؤالات شماره (۱ الی ۶) پرسشنامه آمده و نتایج آزمون خی دو و نیز با توجه به سطح معنادار حاصله (۰/۰۰۰) که کوچکتر از ۰/۰۵ هست، با احتمال ۹۵ درصد می‌توان گفت عدم هدایت عملیاتی مناسب در کشف نشدن پرونده‌های قتل مؤثر است.

۲- ضعف تجزیه و تحلیل اطلاعات مکتسبه: «ضعف تجزیه و تحلیل اطلاعات مکتسبه در پرونده‌های قتل، در عدم کشف قتل چه تأثیری دارد؟» با توجه به پاسخ‌های ارائه شده به شاخص‌ها که در سؤالات (شماره ۷ تا ۱۱) پرسشنامه و نتایج آزمون خی دو و نیز با سطح معنادار حاصله (۰/۰۰۰) که کوچکتر از ۰/۰۵ هست لذا با احتمال ۹۵ درصد می‌توان گفت ضعف تجزیه و تحلیل اطلاعات مکتسبه در پرونده‌های قتل، در عدم کشف پرونده‌های قتل مؤثر است.

۳- **عدم استفاده از فناوری‌های نوین:** «عدم استفاده از فناوری‌های نوین در کشف نشدن پرونده‌های قتل چه تاثیر دارد؟»

با توجه به پاسخ‌های ارائه شده به شاخص‌ها که در سؤالات (شماره ۱۲ تا ۱۶ و ۱۹) پرسشنامه، نتایج آزمون خی دو و نیز سطح معنادار حاصله (۰/۰۰۰) که کوچکتر از ۰/۰۵ هست، با احتمال ۹۵ درصد می‌توان گفت عدم استفاده از فناوری‌های نوین در کشف نشدن پرونده‌های قتل مؤثر است.

۴- **عدم توجه به زمان در پرونده‌های قتل:** «عدم توجه به زمان در پرونده‌های قتل در عدم کشف پرونده‌های قتل چه تاثیر دارد؟» با توجه به پاسخ‌های ارائه شده به شاخص‌ها که در سؤالات (شماره ۱۷، ۱۸، ۲۰ و ۲۱) پرسشنامه و نتایج آزمون خی دو و نیز سطح معنادار حاصله (۰/۰۰۰) که کوچکتر از ۰/۰۵ هست، با احتمال ۹۵ درصد می‌توان گفت عدم توجه به زمان در پرونده‌های قتل، در کشف نشدن پرونده‌های قتل مؤثر است.

پیشنهادها: پیشنهادها به صورت موضوعی بر اساس فرضیه‌ها تنظیم شده است.

الف) پیشنهادهای مرتبط با عدم هدایت عملیاتی:

۱- فرمانده شهرستان و رییس پلیس آگاهی با توجه به اهمیت موضوع و به مقتضای وقایع، اهمیت و درجه آن، به محض اطلاع از وقوع قتلی در صحنه قتل جهت انجام هدایت‌های لازم حاضر گردند تا ضمن نظارت بر اقدامات مأمورین و کارآگاهان از ایجاد هر گونه تنش احتمالی، لمس کردن معضلات و ناهماهنگی‌های احتمالی درون سازمانی و برون سازمانی، اقدامات لازم جهت برطرف کردن آنها به عمل آورده تا در آینده مأمورین با مشکلات مشابه مواجه نشوند و از طرفی احساس نامنی در سطح جامعه را کاهش تا افکار عمومی عملکرد پلیس را خدشه دار نسازد.

۲- در صورت وقوع قتلی بلافاصله در معاونت آگاهی ستاد ویژه با حضور معاونت اطلاعات، پلیس پیشگیری و پلیس آگاهی تشکیل و با استفاده از کلیه امکانات لجستیکی، انسانی، اثر برداری و اطلاعاتی و... در جهت کشف قتل تلاش نمایند. این تیم با حضور کارشناسان و کارآگاهان تحت نظر مستقیم رییس پلیس آگاهی فعالیت خواهد نمود.

۳- کلیه پرونده‌های راکد قتل از مأمورین اقدام کننده اخذ و تحت نظر رییس پلیس آگاهی در اختیار کارآگاهان دیگر قرار گرفته و کارآگاهان جدید بدون هیچ گونه پیش‌داوری نسبت به بازسازی صحنه قتل اقدام نموده و از صفر شروع به انجام تحقیقات نمایند.

۴- در بررسی صحنه‌های قتل، در هر وضعیتی عوامل انتظامی، حافظ صحنه بوده و بررسی و مدیریت کامل صحنه توسط کارآگاهی که پی‌جویی پرونده به وی محول می‌گردد انجام پذیرد. برای اجرای این منظور با صدور دستورالعملی، اعضاء تیم بررسی صحنه قتل (به استثنای مقام قضایی) تحت اختیار و فرماندهی کارآگاه مربوطه در هنگام بررسی صحنه قتل، قرار گیرند.

۵- به منظور به‌کارگیری و استفاده کارآگاهان از سیستم‌های اطلاعات جامع و بانک‌های

اطلاعاتی سازمان‌های مختلف به منظور کاستن از نیاز به هماهنگی‌های مکرر و کاهش زمان در دسترسی به اطلاعات مختلف مثل اخذ پرینت تلفن، اخذ مشخصات سجلی و... در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها از طریق معاونت آگاهی ناجا اقدامات لازم صورت پذیرفته تا در هر استان و شهرستان حداقل فرماندهی انتظامی و یا رییس پلیس آگاهی شهرستان امکان دسترسی به اینگونه اطلاعات را داشته باشد.

۶- به منظور ایجاد هماهنگی و تعامل و استفاده از نظریات و تجربیات، جلسات ماهیانه مشترک بین مثلث کشف قتل {قاضی(بازپرس)، کارآگاه، پزشک قانونی} تشکیل ضمن تبادل اطلاعات، پرونده های قتل کشف نشده مورد بازبینی واقع و موانع کشف در آنها بررسی و اقدامات مقتضی و مناسب در جهت رفع آنها اعمال گردد. برای اجرایی شدن این پیشنهاد، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون مبارزه با قتل در استانداری ها و فرمانداری های کشور زیر نظر دبیر شورای تأمین استان و یا شهرستان راه اندازی گردد.

ب) پیشنهادهای مرتبط با ضعف تجزیه و تحلیل اطلاعات مکتسبه در پرونده‌های قتل:

۱- مأمور پی جویی قتل باید با انجام بازجویی دقیق از متهم یا متهمان و ارائه دلایل محکمه پسند و غیرقابل انکار قاضی را در صدور دقیق حکم یاری نماید. به عبارتی او باید تصویرگر دقیق علل و عوامل ارتکاب عمل متهم یا متهمان براساس گفته های آنان (اقرار)، شواهد و دلایل موجود باشد. لذا پیشنهاد می گردد کارآگاهان پی جویی قتل سالی دوهفته در زمینه آشنایی با آخرین یافته‌های علمی عوامل تأثیرگذار در کشف قتل مورد آموزش تخصصی در مراکز استان ها و تهران قرار گیرند.

۲- با توجه به کمبود پرسنل متخصص و حساسیت شهرستان ماهشهر پیشنهاد می گردد رییس پلیس آگاهی استان نسبت به تقویت تجهیزات آگاهی و تخصیص نیروهای کیفی و متخصص اقدام نماید.

۳- تمام کارآگاهان موظف گردند به محض تحویل پرونده قتل کلیه جرایم مهم و قتل و حتی الامکان سرعت مسلحانه را که در آن محدوده به وقوع پیوسته دقیقاً مورد تجزیه و تحلیل قرار داده تا بتوانند از طریق روابط بین متغیرها، به نتایجی دست یابند و هر هفته جلسه در این خصوص تشکیل گردد.

۴- برگزاری کارگاه‌های تخصصی در سطح استان و شهرستان و ارائه آموزش‌های تخصصی در راستای وظایف محوله.

ج) پیشنهادهای مرتبط با عدم استفاده از فناوری‌های نوین:

۱- کشف جرم و پی جویی قتل در حال حاضر به صورت سنتی بوده و راهکار علمی و تخصصی وجود ندارد. کلیه آزمایش‌های علمی و تخصصی در آگاهی استان انجام و آنها نیز بعضاً به دلیل

کامبود امکانات و آزمایشگاه‌های مناسب به تهران ارسال می‌شوند. همین امر سبب طولانی شدن زمان پی‌جویی و در نهایت فرار مجرمین از چنگال قانون و عدالت می‌شود. لذا پیشنهاد می‌گردد با توجه به بعد مسافت با مرکز استان، آزمایشگاه علمی و تخصصی در این شهرستان دایر تا پلیس آگاهی این شهرستان و شهرستان‌های همجوار بتوانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن سرخ‌های مناسب را جهت شناسایی و دستگیری مجرمین به‌دست آورده و عمل نمایند.

۲- آزمایشگاه‌های جنائی اولیه سیار برای بررسی صحنه‌های قتل با تجهیزات کافی ایجاد گردد تا در محل قتل به انجام آزمایشات اورژانسی بپردازند (در حال حاضر اکثر استان‌ها و شهرستان‌های کشور فاقد چنین امکانی می‌باشند).

۳- تشکیل کمیته‌های هماهنگی با حضور روسای ادارات آگاهی و بازپرس ویژه قتل و واحدهای تخصصی مرتبط با پیگیری قتل و تبادل نظر و بازنگری طرح‌های صادره به منظور تعیین نقاط ضعف آنها و رفع نقاط ضعف هر یک از واحدهای تخصصی.

۴- به منظور اعمال فرماندهی صحیح و علمی، در دوایر و شعب مبارزه با قتل آگاهی‌های سراسر کشور به‌طور انحصاری از کارکنانی که به یکی از رتبه‌های کارآگاهی در رشته قتل (جنایی) نائل آمده‌اند استفاده گردد و برای انجام این منظور معاونت آگاهی ناجا می‌تواند با برنامه ریزی اصولی و تطبیق سریع کارآگاهان این امکان را فراهم آورد.

۵- پیشنهاد می‌گردد در اسرع وقت سیستم جامع به‌خصوص فتوفایلر، سیستم تجزیه و تحلیل I۲، سیستم چهره‌نگاری در این شهرستان راه‌اندازی شده تا علاوه بر پیشگیری و مهار جرایم در زمینه کشف و دستگیری مجرمین اقدامات مناسب‌تری صورت پذیرد.

۶- بانک اطلاعاتی رایانه‌ای اجساد مجهول الهویه در سطح آگاهی استان‌ها و شهرستان‌ها راه‌اندازی شود.

۷- ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی انگیزه‌های وقوع قتل در استان‌ها و شهرستان‌های کشور مورد تجزیه و تحلیل و بررسی علمی قرار گیرد. در این زمینه سازمان زندان‌ها با قابلیت‌های خود می‌تواند از جامعه علمی و آسیب‌شناس مددگیری نماید.

۸- بازتاب وسیع وقوع قتل در جامعه، کم بودن مجازات قاتلینی که رضایت اولیاء دم را جلب نموده‌اند و همچنین تأخیر در اجرای احکام صادره (اعدام) به علل تشریفات قانونی که اجرای آن را با تأخیر مواجه نموده است، باعث تجری قاتلین و احساس ناامنی در جامعه گردیده است. لذا سرعت در اجرای احکام صادره و تشدید مجازات قاتلین توسط مراجع ذی‌صلاح قضایی پیشنهاد می‌گردد. ۹- اقدام در خصوص اخذ آثار انگشت کلیه افراد و ثبت کلاسه آثار انگشت‌های مربوطه و استفاده از آنها در مواقع لازم (اجساد مجهول الهویه).

۱۰- به مرور سعی گردد نمونه DNA کلیه افراد اخذ گردیده و نتایج حاصله در بانک‌های

اطلاعاتی حفظ تا در صورت نیاز در شناسایی اجساد مجهول الهویه و در بسیاری موارد دیگر استفاده گردد.

د) پیشنهادهای مرتبط با عدم توجه به زمان در پرونده‌های قتل:

۱- زمان در بررسی صحنه‌های قتل از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. لذا فرصت زمانی مناسبی برای بررسی صحنه‌های قتل بوسیله کارآگاهان پی‌جویی قتل با در نظر گرفتن بعد مسافت منظور و به عنوان دستورالعمل اجرایی به آگاهی‌های سراسر کشور ابلاغ گردد.

۲- از تحویل پرونده‌های قتل کشف‌نشده که بدون بازسازی مجدد و رفع خطاهای احتمالی به کارآگاهان جوان خودداری کرد؛ زیرا احتمال بدآموزی به اینگونه افسران جوان وجود دارد. بلکه این پرونده‌ها باید به کارآگاهان مجرب و کارکشته واگذار نموده تا با بازسازی مجدد نسبت به رسیدگی مجدد اقدام نماید.

۳- درخصوص پرونده‌های قتلی که در دادرها تحت رسیدگی می‌باشند با بازپرس ویژه قتل و کارآگاهان جلسات ویژه ای تشکیل گردد.

۴- معاف نمودن کارآگاهان کشف قتل از انجام سایر امور انتظامی تا از زمان خود به نحو صحیح‌تر و مناسب‌تری در جهت رسیدگی به پرونده‌های قتل کشف نشده استفاده نمایند.

کتابنامه

الف- منابع فارسی:

اسماعیلی، عبادالله (۱۳۸۳). بررسی سیستمی رسیدگی به پرونده‌های قتل در آگاهی تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت انتظامی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا پرویزی، رضا (۱۳۷۹). پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل، تهران: معاونت آموزشی ناجا.

روحی سرا، غلامحسین. (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد تکنسین‌های صحنه قتل. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت انتظامی. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا شناسنامه اطلاعاتی معاونت اطلاعات فرماندهی انتظامی ماهشهر. صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۸۵). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: آن.

صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۶۲). تحلیل نظریه‌های مربوط به کجروی‌های اجتماعی، نشریه علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال ۱۱، شماره ۲۰۱.

قنبری، محمد (۱۳۸۵). عوامل موفقیت کارآگاهان ویژه کشف قتل، پایان نامه کارشناسی ارشد (فرماندهی و مدیریت انتظامی). تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه علوم انتظامی.

یاراحمدی، بهروز (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر عملکرد کارآگاهان پلیس آگاهی تهران بزرگ در کشف

قتل. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا

ب- منابع انگلیسی:

Fox, Richard G. (1971). "The XYY Offender:A Modern Myth?" **Journal of Criminal Law,Criminology. and Police Science.** 62,59-73.

Hirshi , I (1969), **Causes of Dliquency**, Berkeley: University of California Press.

Henslim, J. M. (1983). **Social Problems.** New York: Mcmillam.

Montagu,Ashley (Oct. 1968). "Chromosomes and Crime", *Psychology Today*, 42-49.

Thio, Alex (2001). **Deviant Behavior**, 6th ed, Boston:Allyn and Bacon.